

یادداشت

قراردادهای زخمی

روایت بحران اقتصادی در روابط قراردادی

مرضیه‌افضلی

وکیل پایه‌یک دادگستری

بحران اقتصادی خواب بسیاری از کسب‌وکارها را آشفته می‌کند. در روزهای رکود و تعطیلی بازار، کسب‌وکارها، هنرمندان و حتی شرکت‌های تجاری، رفتار قراردادی خود را نه برای سود بیشتر، بلکه برای زنده‌ماندن تغییر می‌دهند. آسیب‌پذیری اعتماد، سقوط اعتبار حرفه‌ای و افزایش اضطراب اجتماعی، تنها بخشی از بحران پنهانی این وضعیت است؛ بحرانی که می‌تواند کیفیت خدمات را کاهش دهد و تصمیم‌های پریسک تجاری را به رفتاری عادی تبدیل کند.
گاه طرفین در ظاهر همچنان به تعهدات قراردادی خود وفادار مانده‌اند، اما قراردادهای موازی، همکاری‌های پنهان یا پنهان‌کاری قراردادی، آرام‌آرام رابطه تجاری را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد؛ بی‌آنکه طرفین حتی متوجه لحظه آغاز بحران شده باشند. در چنین شرایطی یک پرسش مهم شکل می‌گیرد: آیا افراد فقط چند صفحه تعهد و تبصره است یا می‌توانند در روزهای بحران به ابزاری برای حفظ اعتماد، مدیریت ریسک و نجات یک رابطه تجاری تبدیل شوند؟ آیا حقوق قرارداده‌ا توان پیش‌بینی رفتار انسان‌ها در شرایط بحرانی را دارد یا باید در راه‌روهای دادگاه منتظر اعلام مرگ رابطه قراردادی ماند؟

وفاداری تقسیم‌شده

نوازنده اصلی یک گروه موسیقی، پنهانی با خواننده رقیب قرارداد می‌بندد، کمترین از این همکاری، تقسیم حضور او میان دو قرارداد است، اما آنچه او را به پذیرش قرارداد دوم وادار کرده، الزام تبانی یا خیانت نیست؛ او برای بقا در بازار می‌جنگد. همین وضعیت را می‌توان در یک شرکت تجاری نیز دید: جایی که مدیرعامل هم‌زمان با شرکنی قرارداد می‌بندد که خود در آن سهامدار است، او لزوماً رشوه نگرفته، بلکه نگران فروپاشی امنیت اقتصادی خویش در میانه بحران است. اما آنچه این وضعیت را خطرناک می‌کند، صرف وجود دو رابطه قراردادی نیست؛ پنهان‌کاری است. کوچک‌شدن بازار، کاهش پروژه‌ها و افزایش هزینه‌های زندگی، افراد را به پنهان‌کردن روابط قراردادی‌شان سوق می‌دهد. گاهی حتی حضور ظاهری در یک قرارداد رقیب نیز می‌تواند مسئولیت حقوقی ایجاد کند، حتی اگر شخص هنوز اقدام جدی علیه قرارداد نخست انجام نداده باشد. در چنین شرایطی، فرد نه‌تنها باید با «احساس خیانت» را تحمل کند، بلکه ممکن است مسئول جبران خسارت نیز شناخته شود. اینجاست که بحران اقتصادی، آرام‌آرام به بحران اعتماد تبدیل می‌شود. زمانی که وفاداری میان دو قرارداد تقسیم می‌شود یا سود شخصی بر تصمیم‌های قراردادی سایه می‌اندازد، اعتماد فرو می‌ریزد. اعتبار حرفه‌ای تخریب می‌شود و احساس بی‌عدالتی گاه بسیار مخرب‌تر از زیان مالی عمل می‌کند. این فقط یک اختلاف قراردادی نیست؛ بحرانی است که از دل بحران اقتصادی متولد شده است. اما آیا قرارداد می‌تواند چنین بحرانی را مدیریت کند یا هنوز چیزی بیش از چند صفحه کاغذ و چند ماده و تبصره نیست؟

پیش از انفجار

طراحی مسیر پیش از آغاز می‌تواند تا حد زیادی بحران را کنترل کند؛ درست مانند کارگردانی که فیلم‌نامه را پیش از شروع فیلم‌برداری می‌نویسد. قرارداد فقط برای روزهای آرام نیست؛ باید توان تحمل روزهای پرتلاطم را نیز داشته باشد. باید بداند فشار اقتصادی می‌تواند رفتار قراردادی انسان‌ها را تغییر دهد. تفاوت اصلی حقوق سنتنی و حقوق مدرن دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. حقوق سنتنی معمولاً زمانی وارد صحنه می‌شود که بحران اتفاق افتاده، تعهد نقض شده و رابطه قراردادی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در این نگاه، حقوق بیشتر وظیفه هم‌دربار «مرگ قرارداد» تصمیم‌گیرد. اما حقوق مدرن منتظر لحظه انفجار نمی‌ماند. پیش از نقض تعهد، پیش از فروپاشی اعتماد و حتی پیش از شکل‌گیری پنهان‌کاری، وارد عمل می‌شود تا بحران را مدیریت کند و رابطه قراردادی را زنده نگه دارد. از نگاه حقوق مدرن، وجود روابط و قراردادهای معارض انکارناپذیر است؛ اما می‌توان آن را مدیریت کرد. به همین دلیل قراردادهای حرفه‌ای فقط ابزار ثبت توافق نیستند؛ برای مدیریت بحران طراحی می‌شوند. امکان مذاکره مجدد، بازنگری در تعهدات، توزیع ریسک میان طرفین، الزام به افشای روابط معارض، پیش‌بینی دآوری تخصصی، میان‌جیگری و طراحی سازوکار حل اختلاف سریع، تنها بخشی از ابزارهایی است که می‌تواند پیش از رسیدن بحران به نقطه انفجار عمل کند. فشار اقتصادی، احتمال پنهان‌کاری را افزایش می‌دهد؛ اما حقوق مدرن تلاش می‌کند بحران را از فضای پنهان‌کاری خارج کرده و وارد مسیر گفت‌وگو و مدیریت حقوقی کند.

در حالی که بسیاری از قراردادهای سنتنی، در بهترین حالت تنها یک بند فورس‌ماژور کلی و ناقص دارند که بیشتر برای پایان‌دادن به رابطه طراحی شده، قراردادهای حرفه‌ای به دنبال نجات رابطه قراردادی‌اند. زیرا بحران همیشه اجرائی قرارداد را غیرممکن نمی‌کند؛ گاه فقط تعادل آن را از بین می‌برد. درست در همین نقطه است که قرارداد، از یک سند دعوا به ابزار مدیریت بحران تبدیل می‌شود.

فایق نجات

شاید این بحران را در قراردادهای هنری و فرهنگی بتوان ملموس‌تر دید. زیرا در این روابط، موضوع قرارداد فقط پول نیست؛ اعتبار، تصویر عمومی، اعتماد مخاطب و حتی احساس تعلق اجتماعی نیز بخشی از رابطه قراردادی است. در نتیجه بحران اقتصادی خیلی زود به بحران اعتماد تبدیل می‌شود. همین ویژگی چهره این قراردادها را متفاوت‌تر از سایر روابط تجاری کرده و به همان نسبت میزان آسیب‌پذیری آنها را نیز افزایش می‌دهد. در عین حال، رویدادهای فرهنگی و هنری فقط یک فعالیت اقتصادی نیستند؛ گاه راه تنفس یک جامعه بحران‌زده‌اند. اما برگزاری چنین رویدادهایی در شرایط بحرانی ساده نیست. هزینه‌ها ناگهان چند برابر می‌شود و راهکار سنتی، افزایش قیمت بلیت است؛ راهکاری که معمولاً استقبال مردم بحران‌زده را کمتر از قبل می‌کند. در چنین شرایطی، اسپانسر برای جبران هزینه‌ها ممکن است به سمت قراردادهای موازی و پریسک حرکت کند؛ قراردادهایی که شاید در کوتاه‌مدت درآمد ایجاد کنند، اما در بلندمدت می‌توانند اعتبار رویداد، اعتماد عمومی و حتی امنیت حقوقی برگزارکنندگان را تهدید کنند.

اینجاست که نقش سازوکارهای حمایتی اهمیت پیدا می‌کند. کمک‌های بلاعوض، بسته‌های حمایتی، معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کم‌بهره یا دارای تنفس تنها بخشی از ابزارهایی است که بسیاری از کشورها برای کنترل بحران از آن استفاده می‌کنند. البته این خطر وضعیت محدود به قراردادهای هنری نیست. حقوق تجارت سال‌هاست با حفظ پنهان‌کاری و تعارض منافع درگیر است و تلاش کرده برای آن سازوکار نظارتی طراحی کند، چراکه در کنار حمایت اقتصادی، نظارت حقوقی نیز اهمیت بالایی دارد. براین مثال، ماده ۱۱۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره را ملزم به افشای منافع و قراردادهای معارض می‌کند و هم‌زمان مسئولیت نظارت بر این وضعیت را نیز بر عهده نهاد بازرسی قرار می‌دهد. هدف چنین سازوکارهایی فقط مجازات نیست؛ جلوگیری از پنهان‌کاری و حفظ سلامت رابطه قراردادی است. با این حال، واقعیت تلخ آن است که بحران اقتصادی گاه خود نهادهای حمایتی را نیز درگیر می‌کند. درست از همین نقطه است که اهمیت یک قرارداد حرفه‌ای روشن می‌شود؛ قراردادی که فقط برای روزهای آرام نوشته نشده، بلکه برای روزهای سخت نیز نقشه‌ای از پیش طراحی کرده است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

کودکی در شیف‌کاری

نیلوفر حامدی: «کارت قرمز به کار کودک»، این عنوان نشستی بود که شنبه، ۲۳ خردادماه در مؤسسه رحمان برگزار شد. به مناسبت ۱۲ زوئن که روز جهانی مبارزه با کار کودک نام‌گذاری شده است، موضوع حق کودکی برای کودکان و کار شایسته برای بزرگسالان بررسی شد. «طاهره پژهوش»، مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، «قمر تکاوران»، پژوهشگر اجتماعی و «پریسا والتینیا پویان»، مدیرعامل مؤسسه یاریگران کودکان کار پویا سخنرانان این پنل بودند و «سمانه علسوی»، از اعضای هیئت‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودک نیز دبیری این نشست را بر عهده داشت. از آنجا که کار کودک صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای از نقض زنجیره‌ای حقوق کودک محسوب می‌شود، اهمیت این موضوع در وضعیت فعلی جامعه ایرانی بر کسی پوشیده نیست. در شرایط امروز ایران، عواملی مانند فقر ساختاری، انواع نابرابری‌ها، مهاجرت، بحران‌های اجتماعی و معیشتی و ضعف در نظام‌های حمایتی و نظارتی، کودکان را بیش از پیش در معرض آسیب‌های جدی قرار داده است. این نشست فرصتی شد تا با بررسی ابعاد مختلف کار کودک، بار دیگر بر مسئولیت مشترک دولت، نهادهای آموزشی و بهداشتی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق حقوق کودکان تاکید شود.

۲ میلیون کودک در سایه آمارهای متناقض

«قمر تکاوران»، دبیر گروه جمعیت و مهاجرت انجمن جامعه‌شناسی، پژوهشگر و فعال اجتماعی، در ابتدای این نشست، صحبت‌هایش را با عدد و آمار شروع کرد: «در ابتدا بگویم دلیل اینکه آمارهایی که می‌گویم احتمالاً پرانگه است، این است که ما در ایران آمار دقیق و مشخصی از کودکان کار نداریم؛ اینکه چه تعداد کودک درگیرند و در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. به همین دلیل فقط به چند آمار پرانگه اشاره می‌کنم تا تصویری کلی از وضعیت داشته باشیم و مشخص شود وقتی از کودک کار صحبت می‌کنیم، منظور چیست و چه تعداد کودک درگیر این مسئله هستند. براساس آخرین آمار سازمان جهانی کار، ۱۳۸ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد و ۲۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کودک کار در آسیا و اقیانوسیه هستند. برآوردها نشان می‌دهد از این ۲۷ میلیون نفر در آسیا، حدود دو میلیون نفر کودک کار در ایران هستند؛ هرچند این عدد بسیار تخمینی است و احتمال اینکه رقم واقعی بالاتر باشد، زیاد است. آمارهای پرانگه دیگری هم داریم. برای مثال، گزارش آمار تفصیلی نیروی کار که در سال ۱۳۹۶ توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، نشان می‌دهد جمعیت ۱۰ تا ۱۷ساله‌های ایران ۹میلیون و ۱۷۳ هزار نفر است که از این تعداد، حدود ۱۰ هزار نفر مشغول به کارند. البته این عدد فقط افراد بالای ۱۰ سال را شامل می‌شود و تنها کودکان ایرانی را در نظر گرفته است؛ یعنی افرادی که مدرک ندارند و به‌اصلاح در دسته قانونی ایرانی محسوب نمی‌شوند، در این آمار لحاظ نشده‌اند. نکته دیگر اینکه این آمار مربوط به کسانی است که خودشان اشتغال به کار را اعلام کرده‌اند؛ یعنی مبتنی بر خوداظهاری بوده است. پس آمار واقعی طبیعتاً بسیار بیشتر از این اعداد است.»

این فعال اجتماعی همچنین با اشاره‌ای به گزارش‌های مجلس شورای اسلامی نیز گفت: «در گزارش مجلس درباره کودکان کار و خیابان نیز آمار دقیق ارائه نشده است. با این حال، در گزارش آمده که نشست‌هایی با نهادهای مختلف برگزار شده و بر مبنای داده‌های بهزیستی، شهرداری و نیروی انتظامی -بدون ذکر سال و جزئیات داده‌ها- جمع‌بندی انجام شده است. این گزارش که مربوط به سال ۱۴۰۱ است، نشان می‌دهد ۸۰ درصد کودکان کار و خیابان را کودکان مهاجر تشکیل می‌دهند. تقریباً همه گزارش‌ها نشان می‌دهند که بخش بزرگی از کودکان کار و خیابان را کودکان مهاجر تشکیل می‌دهند. البته همه کودکان کار و خیابان الزاماً بازمانده از تحصیل نیستند.» این پژوهشگر اجتماعی با ارائه آماری از کتاب توضیح داد: «در کتابی که آقای روشنفکر و همکارانشان تدوین کرده‌اند، گزارشی مفصل ارائه شده که براساس مطالعه‌ای است که در سال ۱۳۹۹ برای سازمان بهزیستی انجام شده و ۱۵ استان کشور را دربر گرفته است. در این بخش، آمارها تا حدی متفاوت است. برای مثال، گزارش نشان می‌دهد که ۳۷ درصد کودکانی که در این مطالعه بررسی شده‌اند، -که البته یک پیمایش محدود بوده و نه یک بررسی جامع ملی- تابعیت افغانستان داشته‌اند. بقیه آنها نیز متعلق به قومیت‌های دیگر بوده‌اند؛ ترک، لر و حتی فارس و عرب هم در میان آنها وجود داشته‌اند و حدود ۲.۶ درصد نیز از گروه کولی‌ها بوده‌اند. در گزارش‌های مجلس هم -هرچند اعداد تفاوت زیاد دارند- تقریباً همین روند دیده می‌شود؛ یعنی گفته شده که پس از افغانستان‌ها، به لحاظ تعداد، گروه‌هایی مانند کولی‌ها یا آنهایی که معمولاً با عنوان غربت شناخته می‌شوند و همچنین اقوام دیگر نیز حضور دارند.»

فقدان هویت؛ چالش پنهان کودکان کار
سازمان بهزیستی هم البته در این زمینه گزارش‌هایی داده است؛ «رییس سازمان بهزیستی در مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده که چهارهزار و ۴۰۰ کودک ساماندهی شده‌اند. البته همه عزیزانسی که در خانه کودک و انجمن‌ها کار کرده‌اند، احتمالاً با شنیدن واژه «ساماندهی» احساس خوبی پیدا نمی‌کنند، به دلیل تجربه‌هایی که در

در نشست «کارت قرمز به کار کودک» ابعاد پنهان کار کودک در ایران بررسی شد

کودکی در شیف‌کاری



عکس: مریم‌هاشمی/باشگاه خبرنگاران جوان

این زمینه داشته‌اند. در ادامه گفته شده که از این تعداد، ۸۶.۵ درصد مهاجر بوده‌اند. حالا با توجه به اینکه مطالعه بهزیستی که ۱۵ استان را شامل می‌شود، عدد ۳۷ درصد را مطرح می‌کند و در مقابل، برخی گزارش‌ها عدد ۸۰ درصد را نشان می‌دهند، روشن است که ما عدد دقیقی در اختیار نداریم. فقط می‌دانیم که بخش قابل توجهی از این کودکان را کودکان مهاجر تشکیل می‌دهند. اگر بخواهیم ویژگی‌های دیگر کودکان کار و خیابان را بررسی کنیم، می‌بینیم که اکثریت آنها پسر هستند. این موضوع در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نیز آمده است؛ اما آماری که از نظر من دقیق‌تر است، همان مطالعه سال ۱۳۹۹ بهزیستی است که اعلام کرده ۸۷ درصد آنها پسر بوده‌اند. نکته دیگر اینکه ۷۲ درصد آنها به مدرسه می‌روند و از میان کودکانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، فقط ۲۰ درصد بازمانده از تحصیل بوده‌اند. مسئله بسیار مهم که در این گزارش به آن اشاره شده و به نظر من باعث می‌شود آن عدد ۳۷ درصد محل سؤال قرار بگیرد، مسئله وضعیت هویتی کودکان است. احتمالاً از کودکان پرسیده شده که ایرانی هستند یا نه و پاسخ مثبت داده‌اند؛ اما وقتی گزارش می‌گوید ۲۳ درصد فاقد شناسنامه بوده‌اند و ۶۲ درصد فاقد شناسنامه، کارت ملی یا کارت اقامت بوده‌اند و هشت درصد نیز فاقد هرگونه اوراق هویتی بوده‌اند، اگر این اعداد را کنار هم بگذاریم، می‌بینیم تعداد افرادی که فاقد مدارک هویتی هستند از آن ۳۷ درصد بیشتر می‌شود.»

از فقر تا نقض حقوق کودک

نکته بسیار مهم دیگر درباره ویژگی‌های کودکان کار و خیابان این است که مسئله اصلی، فقر اقتصادی است؛ «برای مثال، ۶۱ درصد پدران این کودکان شافل بوده‌اند، اما عمداً در مشاغلی مانند کارگری ساختمانی و مشاغل خدماتی فعالیت داشته‌اند. ۱۶ درصد نیز بیکار بوده‌اند. همچنین گزارش نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پدران بی‌سواد و ۲۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند. وضعیت سواد مادران نیز مشابه است؛ ۵۶ درصد مادران بی‌سواد یا دارای سواد نهنضتی بوده‌اند و ۲۲ درصد تحصیلات ابتدایی داشته‌اند. بنابراین، آنچه به‌طور کلی می‌توان فهمید، این است که بخش بزرگی از کودکان کار و خیابان همچنین خانواده‌هایی هستند که پدر و مادر سطح تحصیلات پایینی دارند یا با وجود اشتغال، در مشاغل کم‌درآمد و سطح پایین فعالیت می‌کنند و کار کودک در عمل به‌عنوان نوعی کمک اقتصادی به خانواده تلقی می‌شود. یکی از ناراحت‌کننده‌ترین یافته‌ها این است که ۳۸ درصد کودکان، کار را از پنج تا هفت‌سالگی آغاز کرده‌اند.

اما در حوزه قانون، چه مقرراتی داریم؟ این پرسشی است که در ادامه نشست مورد بررسی قرار گرفت. تکاوران با تبیین این پرسش عنوان کرد: «کنوانسیون پناهندگان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک را در بخش قانون داریم. چرا می‌خواهم درباره کنوانسیون پناهندگان صحبت کنم؟ چون گفتیم بخش قابل توجهی از این موضوع محسوب است. در این بخش، آمارها تا حدی بنابراین این کنوانسیون اهمیت پیدا می‌کند و ایران نیز به آن پیوسته است. کنوانسیون حقوق کودک هم به همین صورت. این دو کنوانسیون، ایران را متعهد می‌کنند که موضوعاتی مانند حق حیات، آموزش رایگان، حق بیمه، ممنوعیت بهره‌کشی اقتصادی و سایر حقوق مرتبط را مورد توجه قرار دهد. قوانین داخلی هم در این حوزه زیاد هستند. از سال ۱۳۱۰ با بعد، قوانین مختلفی وجود داشته که به‌نوعی با مسئله کودکان کار و خیابان ارتباط پیدا می‌کنند؛ اما برای اینکه سریع‌تر جلو برویم، فقط به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنم. باز تاکید می‌کنم که دلیل اشاره به کنوانسیون پناهندگان این است که گفتیم بخش بزرگی از مسئله به مهاجرت مربوط می‌شود و در نتیجه این کنوانسیون اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این کنوانسیون ۲۴ ماده‌ها دارد و متعهد می‌کند نسبت به پناهندگانی که در داخل کشورشان حضور دارند، همانند اتباع خود رفتار کنند. یعنی وقتی کنوانسیون پناهندگان در مجلس تصویب شده، به منزله قانون داخلی محسوب می‌شود و دولت این تعهد را دارد که با پناهندگان مانند اتباع خود برخورد کند. بنابراین دیگر نمی‌توانیم بگوییم چون این افراد مهاجر هستند، آنها را کنار می‌گذاریم و مسئولیتی نسبت به آنها نداریم و فقط نسبت به آن بخشی که ایرانی هستند، اقدام کنیم. کنوانسیون حقوق کودک نیز همین تاکید را دارد و تصریح می‌کند که نباید نژاد، تابعیت، قومیت و سایر ویژگی‌ها در برخورداری کودک از حقوقش دخیل باشد. یعنی کشورها برای اینکه حقوق کودک را تأمین کنند و به آن بپردازند، نباید این عوامل را مدنظر قرار دهند و بر این اساس تبعیضی قائل شوند. به‌طور خاص، کنوانسیون پناهندگان تاکید می‌کند که موضوعاتی مانند ساعات کار، حداقل سن برای استخدام، بیمه اجتماعی و سایر حقوق مرتبط باید رعایت شود.»

به گفته این کارشناس، تا سال ۱۳۸۱ قوانین بیشتر به‌صورت پرانگه وجود داشت و عمدتاً مبتنی بر کنوانسیون پناهندگان و کنوانسیون حقوق کودک بود؛ «اما در سال ۱۳۸۱ اتفاق مهمی رخ داد و قانونی در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شد که البته زمینه‌های مهم البته در این زمینه گزارش‌هایی داده است؛ «رییس سازمان بهزیستی در مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده که چهارهزار و ۴۰۰ کودک ساماندهی شده‌اند. البته همه عزیزانسی که در خانه کودک و انجمن‌ها کار کرده‌اند، احتمالاً با شنیدن واژه «ساماندهی» احساس خوبی پیدا نمی‌کنند، به دلیل تجربه‌هایی که در

این زمینه داشته‌اند. در ادامه گفته شده که از این تعداد، ۸۶.۵ درصد مهاجر بوده‌اند. حالا با توجه به اینکه مطالعه بهزیستی که ۱۵ استان را شامل می‌شود، عدد ۳۷ درصد را مطرح می‌کند و در مقابل، برخی گزارش‌ها عدد ۸۰ درصد را نشان می‌دهند، روشن است که ما عدد دقیقی در اختیار نداریم. فقط می‌دانیم که بخش قابل توجهی از این کودکان را کودکان مهاجر تشکیل می‌دهند. اگر بخواهیم ویژگی‌های دیگر کودکان کار و خیابان را بررسی کنیم، می‌بینیم که اکثریت آنها پسر هستند. این موضوع در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نیز آمده است؛ اما آماری که از نظر من دقیق‌تر است، همان مطالعه سال ۱۳۹۹ بهزیستی است. که ما در ایران آمار دقیق و مشخصی از کودکان کار نداریم؛ اینکه چه تعداد کودک درگیرند و در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. به همین دلیل فقط به چند آمار پرانگه اشاره می‌کنم تا تصویری کلی از وضعیت داشته باشیم و مشخص شود وقتی از کودک کار صحبت می‌کنیم، منظور چیست و چه تعداد کودک درگیر این مسئله هستند. براساس آخرین آمار سازمان جهانی کار، ۱۳۸ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد و ۲۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کودک کار در آسیا و اقیانوسیه هستند. برآوردها نشان می‌دهد از این ۲۷ میلیون نفر در آسیا، حدود دو میلیون نفر کودک کار در ایران هستند؛ هرچند این عدد بسیار تخمینی است و احتمال اینکه رقم واقعی بالاتر باشد، زیاد است. آمارهای پرانگه دیگری هم داریم. برای مثال، گزارش آمار تفصیلی نیروی کار که در سال ۱۳۹۶ توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، نشان می‌دهد جمعیت ۱۰ تا ۱۷ساله‌های ایران ۹میلیون و ۱۷۳ هزار نفر است که از این تعداد، حدود ۱۰ هزار نفر مشغول به کارند. البته این عدد فقط افراد بالای ۱۰ سال را شامل می‌شود و تنها کودکان ایرانی را در نظر گرفته است؛ یعنی افرادی که مدرک ندارند و به‌اصلاح در دسته قانونی ایرانی محسوب نمی‌شوند، در این آمار لحاظ نشده‌اند. نکته دیگر اینکه این آمار مربوط به کسانی است که خودشان اشتغال به کار را اعلام کرده‌اند؛ یعنی مبتنی بر خوداظهاری بوده است. پس آمار واقعی طبیعتاً بسیار بیشتر از این اعداد است.»

این فعال اجتماعی همچنین با اشاره‌ای به گزارش‌های مجلس شورای اسلامی نیز گفت: «در گزارش مجلس درباره کودکان کار و خیابان نیز آمار دقیق ارائه نشده است. با این حال، رویدادهای فرهنگی و هنری فقط یک فعالیت اقتصادی نیستند؛ گاه راه تنفس یک جامعه بحران‌زده‌اند. اما برگزاری چنین رویدادهایی در شرایط بحرانی ساده نیست. هزینه‌ها ناگهان چند برابر می‌شود و راهکار سنتی، افزایش قیمت بلیت است؛ راهکاری که معمولاً استقبال مردم بحران‌زده را کمتر از قبل می‌کند. در چنین شرایطی، اسپانسر برای جبران هزینه‌ها ممکن است به سمت قراردادهای موازی و پریسک حرکت کند؛ قراردادهایی که شاید در کوتاه‌مدت درآمد ایجاد کنند، اما در بلندمدت می‌توانند اعتبار رویداد، اعتماد عمومی و حتی امنیت حقوقی برگزارکنندگان را تهدید کنند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

خبرخوان

سرنوشت مهیم ۲توله یوزبلینگ

مهردمدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان از مشاهده یوزبلینگ ماده «هلپا» به همراه سه توله در محدوده یوزکنام خبر داد. سعید یوسف‌پور از مشاهده هلپا به همراه سه توله خبر داد و گفت: «دو توله دیگر هنوز رویت نشده‌اند و وضعیت آنها نامشخص است.» او با اشاره به پایش‌های حدود دو هفته اخیر در این منطقه افزود: «در آخرین مشاهده، هلپا به همراه سه توله در حال حرکت به سمت جنوب (محدوده توران) دیده شد، اما پس از آن دوباره به سمت شمال بازگشت و همچنان با همان سه توله در منطقه ثبت شده است.» مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان افزود: «درباره دو توله دیگر گزینه‌های مختلفی مطرح است و احتمال دارد از مادر جدا شده و به‌صورت مستقل در طبیعت از زندگی ادامه دهند، اما هنوز هیچ نتیجه قطعی در این‌باره وجود ندارد و پایش‌ها ادامه دارد.» او با اشاره به جایگاه یوزبلینگ آسیایی گفت: «این گونه یکی از مهم‌ترین گونه‌های در معرض انقراض کشور و از مهم‌ترین گربه‌سانان جهان است که پراکنش آن در چهار استان کشور ازجمله سمنان، خراسان شمالی و خراسان رضوی مشاهده می‌شود و حفاظت از آن نیازمند برنامه‌ریزی ویژه و مستمّر است.» او خشک‌سالی، چرای مفرط دام، حضور سگ‌های گله، قاچاق توله‌ها و کاهش طعمه را از مهم‌ترین تهدیدهای زیستگاه یوز عنوان کرد و افزود: «در کنار این عوامل، تخریب زیستگاه توسط شتر و کمبود منابع آبی نیز وضعیت را برای بقای این گونه دشوار کرده و تهدید شتر مهم‌ترین عامل در زیستگاه است.» به گفته او، اقداماتی ازجمله آگاه‌سازی جوامع محلی، تقویت مشارکت مردمی، مدیریت چرما، خرید پروانه‌های چرای دام و توسعه گردشگری پایدار در برخی مناطق انجام شده است، اما همچنان نیاز به تقویت این اقدامات وجود دارد.

افزایش وام بازنشستگان تأمین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی از افزایش تعداد و مبلغ تسهیلات قرض‌الحسنه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی از تیرماه سال جاری خبر داد. مصطفی سالاری با اشاره به انعقاد تفاهم‌نامه جدید سازمان تأمین اجتماعی با بانک رفاه کارگران برای افزایش اعتبار و ظرفیت تسهیلات پرداختی به بازنشستگان، گفت: «طی این تفاهم‌نامه با مبلغ ۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار از بانک رفاه کارگران با سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت حدود ۳۴۰ هزار فقره وام قرض‌الحسنه ۶۰ میلیون تومانی به بازنشستگان و مستمری‌بگیران در سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی شده است.» او افزود: «نرخ کارمزد تسهیلات اعطایی چهار درصد سالانه و بازپرداخت آن ۲۴ ماه از محل حقوق مستمری‌بگیران است.» سالاری گفت: «بُت‌تنام متقاضیان از تیرماه آغاز و از طریق کانون‌های بازنشستگی استان‌ها و شهرها انجام می‌شود و در طول سال جاری نیز ادامه خواهد داشت.»

هشدار درباره فروش «سؤالات سمیاد»

رئیس پلیس فتا گفت: «تبلیغات فروش سؤالات آزمون سمیاد» صرفاً شگردی برای کلاهبرداری است.»
وحید مجید با هشدار به دانش‌آموزان و خانواده‌ها درباره تبلیغات دروغین فروش سؤالات آزمون‌های کشوری، ازجمله آزمون استعدادهای درخشان (سمیاد)، تاکید کرد: «هرگونه ادعا مبنی بر دسترسی به سؤالات پیش از برگزاری آزمون، کلاهبرداری و فریبکاری است.» او در تشریح شگردهای مجرمانه کلاهبرداران سایبری افزود: «با نزدیک‌شدن به زمان برگزاری آزمون‌های مهم کشوری، شاهد افزایش فعالیت کانال‌ها و صفحات در شبکه‌های اجتماعی هستیم که با سوااستفاده از اضطراب و ترسانی دانش‌آموزان و والدین، مدعی فروش سؤالات یا کلید آزمون می‌شوند. این افراد سودجو با تکیه بر جعل عناوین و ادعاهای واهی، قصد اخذی و کلاهبرداری از خانواده‌ها را دارند.» رئیس پلیس فتا فراجا با تاکید بر اینکه «امنیت سؤالات آزمون‌های کشوری در سطح بسیار بالایی تضمین شده است»، بیان کرد: «پلیس فتا با رصد دقیق فضای مجازی، تمامی جریان‌های مجرمانه را زیر نظر دارد و به خانواده‌ها اطمینان می‌دهد هیچ‌گونه نشت سؤالات پیش از آزمون وجود ندارد. تمامی این وعده‌ها، بازی‌های روانی برای کلاهبرداری از شهروندان است.»